

نوشته: دکتر جمشید نبوی

بررسی اجمالی از برنامه ریزی اقتصادی جمهوری خلق چین

برنامه ریزی در فلسفه سیاسی کمونیسم دارای اهمیت بسزایی است چون بعقیده اندیشمندان این مکتب به حکومت دیکتاتوری کارگران اجازه می‌دهد که با تسلط بر ابزار و وسائل تولید قدرت سیاسی واقعی را در دست داشته باشد و از آن برای پیشبرد اقتصاد و در نتیجه به زیستی طبقه کارگر و افزایش ثروت و قدرت ملی استفاده نماید^۱. چین بمانند هر کشور سوسیالیست دیگر تابع این نظریه است و از بدو تأسیس حکومت جدید تصمیمات مهمی در این زمینه گرفته است.

در این مقاله سعی شده است که درباره برنامه ریزی صنعتی توضیحاتی داده شود. این نوشته مسأله کشاورزی و برنامه ریزی آنرا بکنار نهاد چون ۰/۰۸۰ جمعیت را روستایان تشکیل می‌دهند و فعالیت کشاورزی در چین دارای اهمیت بسزایی است و مطالعه سیاست، اقتصاد و برنامه ریزی کشاورزی بدلیل اهمیت مسأله و وسعت آن خود پهنهائی موضوع تحقیقی است که در فرصت مناسب‌تری مطرح خواهد شد.

چین در سال ۱۹۴۹ از لحاظ اقتصادی در بحران کامل میزیست و سالهای متمادی جنگ داخلی و اشغال مناطق صنعتی بوسیله ژاپن هرج و مرج عجیبی در زندگی اقتصادی بوجود آورده بود^۲ در نتیجه در سالیان اول پس از تشکیل جمهوری خلق چین و بخصوص ۱۹۵۰-

- 1- Les economies socialistes.
Lavigne - armand Collin - collection «U» - Paris - 1970.
- 2- The chinese economy - 1911 - 1949.
A. Feuerwerker - macmahon - 1968.

۱۹۵۲ سعی شده که از وضع اقتصادی برآوردی شود و سازمانی برای اینکار بوجود آمد . هدف سیاست اقتصادی در آن دوره بمانند امروزه در سه اصل خلاصه می‌شود: ۱- استقلال و خودمختاری اقتصادی . ۲- تقویت بنیه دفاعی و ۳- رسیدن به فراوانی و ثروت ملی همسطح ممالک بزرگ^۱ .

سیاست حکومت در این زمان این بود که تعادلی میان مخارج و درآمد بوجود بیاورد، از ازدیاد تورم جلوگیری کند و قیمت‌ها را تثبیت نماید . از لحاظ سازمانی رهبران تصمیم گرفتند که سازمانهای مختلف اقتصادی مرکزیت بدهند و منابع مادی و بازارها را تحت کنترل درآوردند . در وهله اول سعی شده که از منابع غذایی بهره برداری صحیح شود (مدت زمان مدیدی حقوق کارمندان بصورت مواد غذایی پرداخت می‌شد) .

بزودی فعالیت‌های دولت نتایج درخشانی بدست آورد و تورم متوقف گردید بحدیکه پول چینی در بازارهای جهان دارای ارزشی گردید که امروزه هنوز دارد (یک یوان Yuan معادل ۴/۰ دلار است) قیمت‌ها تثبیت شد و حتی جنگ کمره در آن تنبیراتی بوجود نیامد . تعادل در دخل و خرج دولت بوجود آمد . در نتیجه این موفقیتها زمینه و امکانات تهیه اولین برنامه چندساله آماده شد .

چین از لحاظ اقتصادی در مقایسه همسایه شمالی و غربی خود یعنی شوروی دارای نقاط ضعفی است :

علی‌رغم قدمت تمدن خود ، در حال حاضر ، بنا به اعتراف چوئن لای ، از فقیرترین ممالک دنیا است^۲ (درآمد سرانه سالیانه در ۱۹۷۰ معادل ۱۵۰ دلار)^۳ .

تراکم جمعیت در چین همیشه مسأله حادی بوده است و باوصف پهناور بودن زمین ، چه از لحاظ صنعتی و چه کشاورزی ، جمعیت همیشه در مناطق خاصی متمرکز است . در ۱۹۲۸ وقتی شوروی برنامه‌ریزی را آغاز نمود ، درآمد سرانه‌ای سه یا چهار برابر درآمد سرانه چین در آغاز برنامه‌ریزی در ۱۹۵۲ داشت و شوروی دارای منبع بزرگتر درآمدی در کشاورزی بود . اگرچه ژاپن از لحاظ جمعیت در ۱۸۶۷ ، یعنی آغاز عصر جدید اقتصادی خود ، وضع مشابه چین در ۱۹۵۲ داشت ولیکن توانست رشد جمعیت خود را به ۰/۱ تقلیل دهد در حالی که در حال حاضر رشد جمعیت در چین مسأله‌ای دشوار و حل نشده است . این تراکم جمعیت بعلاوه فشار بر منابع غذایی ، اشکال بزرگ دیگری به همراه دارد چون بر اثر آن حکومت باید قسمت مهمی از سرمایه‌های خود را در امر حمل و نقل خرج نماید .

- 1- La reussite du redressement et du developement de L' economie nationale de la R. P. C.
Yang - pekin - 1956 - Pg. 18.
- 2- L'economie chinoise
Jan deleyne - seuil - 1971 - Pg. 15
- 3- The chinese economy - op. cit.

البته چون در زمان امپراتوری و طبق سنت تاریخی، حکومت در چین همیشه بر اصل مرکزیت استوار بوده در نتیجه موقع روی کار آمدن کمونیست‌ها اذهان برای برنامه‌ریزی آماده بود و نتایج درخشان، باوصف اینکه از خود گذشته‌گی مردم و فشار حکومت را ایجاب می‌کرد، زودتر نصیب چین گردید.

مر اهل اشتراکی نمودن اقتصاد صنعتی

در موقع تشکیل حکومت جدید تنها شرکت و واحدهائی بوسیله دولت تصاحب شدند که بوسیله دشمن قبلی یعنی کوامین تانگ و با مواداران آن اداره میشد. از نقطه نظر اصول اندیشه و فلسفه جبهه دموکراتیک بقای خرده سرمایه‌داری و صنایع کوچک برای حمایت از حکومت جدید لازم بود و ضمناً ادعای «دو کراسی مردم» ایجاب می‌کرد که صنایع بحال قبلی باقی بمانند.

حکومت واقف بود که دستگاه اداریش با اندازه کافی قوی نیست که بتواند بنا گهان تمام واحدهای اقتصادی، را هدایت نماید و تجربه قبلی «کمونیسم زمان جنگ» شوروی برهبران چین آموخته بود که ملی نمودن بی‌حد و حصر صنایع در اقتصاد نامتعادل زیانهای فراوانی بهمراه خواهد داشت و مدارا در این زمینه بهترین سیاست است^۱.

از ۱۹۴۹ حکومت با واحدهای خصوصی، سیاست همکاری را در پیش گرفت. افزایش تولید و ثبات نسبی باعث گردید که سرمایه داران با اعتماد نسبتاً کاملی با حکومت همکاری کنند. این مرحله بعداً بنام «مرحله استفاده از بخش خصوصی» معروف شد و در این زمان بود که جنگ کره در گرفت و سیاست همکاری تا حد زیادی در اعتدال وضع اقتصادی با وصف وجود جنگ مؤثر واقع گردید^۲.

مرحله دوم بنام «مرحله محدود نمودن بخش خصوصی» معروف گردید و در این دوره حکومت بوسیله اعمال نفوذ سعی کرد برخی از فعالیتهای اقتصادی را که با اهداف غائی نظام جدید مغایرت داشت متوقف کند. سود واحدهای مستقل محدود گردید، حقوق کارگران افزایش یافت، اتخاذ سیاست مالیاتی و تعیین قیمت از قدرت اقتصادی بخش خصوصی کاست و محدود شدن امکانات تهیه مواد اولیه از افزایش سود در نتیجه سرمایه گذاری جلوگیری کرد و توسعه واحدهای اقتصادی بخش خصوصی متوقف گردید^۳.

- 1- Chine et U.R.S.S. - Deux modes D'industrialisation.
Bettelheim - aout - septembre 1970-les temps modernes-
Paris. 1970.
- 2- La chine de Mao
Karol - robert laffont - Paris - 1966.
- 3- L'economie chinoise
Jan deleyne - seuil - Paris-1970 - Pg. 22.

مرحله سوم را « مرحله تغییر و تبدیل » نامیدند و در آن حکومت سعی کرد که بخش خصوصی را زیر تسلط و رهبری دولت درآورد و برای رسیدن به این هدف ازدوروش استفاده شد: ازسویی حکومت در ریاست و اداره واحدهای مستقل بخش خصوصی دخالت کرد . ازسوی دیگر بطور وسیع تری کل فعالیت اقتصادی و هدایت آنرا بعهده گرفت. سرمایه لازم برای این کار را دولت از خود صاحبان بخش خصوصی بدست آورد . این ریاست دو قطبی کم کم به تصاحب ملی تبدیل شد و صاحبان صنایع قبلی خود را در موقعیت کارمند دولت یافتند. این سیاست جدید در سال ۱۹۵۴ بمرحله نهائی رسید و حکومت تصمیم گرفت که سهم صاحبان صنایع قبلی را از آنها بخود اختصاص دهد و طبق تصمیم کمیته مرکزی قرارداد کار فرمایان قبلی سالیانه در حدود ۵٪ ارزش سهم خود را بعنوان غرامت بمدت ۷ سال دریافت نمایند. این پرداختها از ژانویه ۱۹۵۶ شروع شد و با وصف اینکه در ۱۹۶۳ می بایستی پایان می یافت ولی حکومت تصمیم گرفت که مدت ۲ سال دیگر آنرا تمدید کند^۱.

دلیل این حسن رفتار این بود که دولت به استعداد صلاحیت و مدیریت کار فرمایان قبلی محتاج بود و ناچار بود آنها را در سمتهای هدایت کننده نگهدارد . ضمناً دولت سعی میکرد که این خرده سرمایه داران را بوسائل مختلف با اصول عقاید جدید معتقد گرداند، پس بطوریکه مجمل گذشت حکومت جدید مرحله بمرحله اقتصاد صنعتی را که در دست بخش خصوصی بود بخود منتقل کرد آنهم بدون آنکه مانند روش شوروی زمان ۱۹۱۷ باعث گردد که تمام چرخ اقتصادی فلج شود و هرج و مرج کامل حکمفرما گردد . در چین امروزه گذشته از صنایع دستی بسیار کوچک و فروشندگان دوره گرد ، در هیچ یک از بخشهای فعالیت اقتصادی منافع شخصی حاکم نیست بخصوص که ظاهراً از انقلاب فرهنگی بپس غرامت ۵٪ نیز پرداخت نمی شود.

سازمانهای برنامه ریزی

تا ۱۹۵۳ شورای امور سیاسی (که وظائفی مشابه شورای امور دولتی امروزه را داشت) بوسیله « کمیسیون اقتصادی و مالی » که خود « اداره مرکزی برنامه اقتصادی مالی را اداره می نمود مسئول برنامه ریزی بود .

در ۱۹۵۲ « کمیسیون برنامه دولتی » بوجود آمد که تابع شورای حکومت مرکزی بود و هم سطح شورای امور سیاسی قرار گرفته بود. با تدوین قانون اساسی در ۱۹۵۴ تغییرات جدیدی در این سازمانها داده شد و ۲ رکن مخصوص برای برنامه ریزی بوجود آمد :

۱- « کمیسیون برنامه دولتی » که تحت نظارت « شورای امور حکومتی » و همچون وزارتخانه ای مسئولیت طرح برنامه و پیشبرد اقتصاد ملی را بعهده داشت. این سازمان برنامه های طویل المدت و سالیانه را بنا به پیشنهاد وزارتخانه ،

کمیسیونهای شورای امور حکومتی ، استانها ، مناطق خودمختار و شهرهای وابسته به قدرت طرح می کرد و اجرای آنرا بوسیله ۲۴ اداره نظارت می نمود. ۲- « کمیسیون ملی آبادانی » که مأمور اجرای برنامه بود . ۱۹۵۶ « کمیسیون اقتصادملی » بوجود آمد و در نتیجه مسؤلیت طرح و اجرای برنامه بدین صورت تقسیم بندی شد:

- ... طرح و نظارت بر برنامه های طویل المدت بوسیله « کمیسیون برنامه دولتی » .
- ... طرح و نظارت بر برنامه های سالیانه بوسیله « کمیسیون اقتصادملی » .
- ... کمیسیون ملی آبادانی بجای خود باقی ماند و امور دیگر اقتصادی راعده دار گردید .

درهمن سال ۱۹۵۶ تعدادی کمیسیون دیگر بوجود آمد که وظائف طرح و اجرای برنامه را در زمینه های مخصوص عهده دار گردیدند (بعنوان مثال کمیسیون علم صنعت) . در ۱۹۵۹ « کمیسیون ملی آبادانی » منحل گردید و کمیسیونهای مخصوص نیز همگی در یک کمیسیون خلاصه شدند و در حال حاضر ۲ کمیسیون اصلی و کمیسیون مسائل خاص در حال انجام وظیفه هستند^۱.

برای روشن شدن وضع در حال حاضر مراحل مختلف طرح برنامه تشریح می شود. از لحاظ حزبی مسؤلیت امور برنامه ریزی متعلق به کمیته مرکزی حزب می باشد ، ولی از لحاظ اداری شورای امور حکومتی مسؤل است . شورا این مسؤلیت را به « کمیسیون برنامه دولتی » برای برنامه های ۵ ساله و یا طویل المدت واگذار کرده است « و کمیسیون اقتصادی دولتی » برنامه های سالیانه را اداره میکند .

در سطح حکومتهای محلی طراز اول ۲۰۰۰ سازمان مختلف مسائل اداری و حزبی برنامه را اداره می نمایند^۲ . بنظر می آید که طرح برنامه از پائین ترین مراتب (کارخانه - کوهون) آغاز می گردد در حالیکه قبلاً مانند نظام موجود در شوروی سازمان مرکزی برای مراتب پائین تر تصمیمی گرفت. ضمناً فراموش نشود که در تعیین اهداف این واحدهای پایه ای نقش سازمان حزبی محلی بسیار مهم است . این برنامه های ابتدائی و آمار تقریبی محلی بوسیله سازمانهای حزبی و اداری بالاتر مورد بحث قرار می گیرد . بدرستی معلوم نیست که در این گفتگو آزادی مسؤلان واحدهای پایه ای تاحد است ولیکن شکی نیست که یکی از هدفهای انقلاب فرهنگی تضعیف قدرت سازمانهای ناظر بوده است^۳ ولی در مقایسه با دیگر رژیم های سوسیالیست ، اختیارات سازمانهای پایه ای بیشتر است .

-
- 1- La republique populaire de chine.
Tsie tche.hao-L. G. D. J. - Paris-1970 - Pg. 344. 356
 - 2- L'economie chinoise - op. cit.
 - 3- The Cultural revolution in china.
Robinson - Penguin - London. 1969.

این برنامه‌های تهریبی برای تهیه دو برنامه مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی برنامه فعالیت افقی و رابطه چندبخش فعالیت اقتصادی باهمدیگر و دیگری برنامه عمودی و منحصر بفعلیت‌های خاص.

برنامه افقی بوسیله مقامات استانی دقیقاً مطالعه و تهیه می‌شود در حالیکه برنامه عمودی بوسیله وزارتخانه‌ها و بطور کلی حکومت مرکزی برای هر رشته از فعالیت اقتصادی تهیه می‌شود.

« کمیسیون اقتصادی دولتی » موظف است که با هم‌آهنگ نمودن برنامه‌های افقی و عمودی برنامه سالیانه را تهیه نماید و امور مختلفی مانند سطح تولید، سطح فروش تولیدات پایه‌ای و مقدار و ارزش آنها، سیاست اقتصادی صادراتی، سرمایه‌گذاری، حمل و نقل، استفاده از قدرت کار و حق‌الزحمه آن و نظارت بر فعالیت سازمانهای تابع حکومت را اداره کند.

سازمانهای اقتصادی استانی مسئول هدفهایی هستند که در برنامه ملی منظور نشده است (حمل و نقل محلی، سرمایه‌گذاری محلی).

پس از تأیید سازمانهای مرکزی برنامه ریزی و کمیته مرکزی حزب و شورای امور دولتی، برنامه برای اجرا به سازمانهای محلی ابلاغ میشود. سازمانهای محلی با رعایت سلسله مراتب موجود برنامه را برای اجرا به سازمانهای پایه‌ای ابلاغ مینمایند. بنظر میرسد که هدفها همیشه بصورت حداقل و حداکثر ذکر شده و سازمانهای استانی این اختیار را دارند که با در نظر گرفتن امکانات خود، تغییرات مختصری در آنها بدهند.

تا ۱۹۵۹ سازمان نظارت‌کننده‌ای خارج از کمیسیونهای فوق‌الذکر وجود نداشت ولیکن از آن تاریخ بعد سازمانهای حزبی محلی مأمور نظارت بر برنامه و کارکرد سازمانهای مختلف مسئول اجرای آن شد با آنکه اطلاعات در این زمینه بسیار محدود است ولیکن بنظر می‌آید که برخلاف دیگر ممالک سوسیالیستی امور مربوط به برنامه و اجرای آن چنان جنبه جزمی ندارد و سازمانهای محلی در این زمینه آزادی نسبی دارند.

برنامه ۵ ساله اول ۱۹۵۳-۱۹۵۷

مطالعه برنامه‌های ۵ ساله چین بسیار مشکل است چون آمار رسمی در این زمینه موجود نیست و اگر چه در مورد برنامه اول مقامات چینی از دادن اطلاعات دریغ نکردند ولیکن در مورد برنامه دوم هدفها دقیقاً ذکر نشد و در مورد برنامه سوم تقریباً میتوان گفت که

آمار موجود جر حدس کارشناسان جز دیگری نیست .

دلائل این امر را میتوان در دو نکته خلاصه کرد . اول اطلاعات مربوط به برنامه اول منشاء تحقیقات و مقالات و کتابها و پیش بینی‌هایی گردیده که اغلب اوقات از نقطه نظر چینی تحقیر آمیز بودند و اجازه داد که مفسرین مطلع بتوانند در مورد قدرت اقتصادی و نظامی چین اظهار نظرهای موشکافانه‌ای کنند . ثانیاً هدفهای تبلیغ شده ، شوروی را در محظور اخلاقی قرار میداد که کمک‌های لازم را به چین بنماید در حالیکه امروزه چنین اجباری وجود ندارد .

برنامه ۵ ساله اول در ۱۹۵۵ بیچاپ رسید ولی اجرای آن از ۱۹۵۲ آغاز شده بود هدف اصلی این برنامه صنعتی کردن چین و افزایش قدرت دفاعی بود و سرمایه‌گذاری بدین صورت تقسیم شده بود : ۵۵/۸ برای ساختمان پایه‌ای اقتصاد ، ۴۴/۲ تهیه امکانات ساختمان پایه‌ای این اقتصاد ، از ۵۵/۸ اول ۵۸/۲ آن صرف صنعت گردید (یعنی در واقع ۳۲/۴ بودجه ملی)^۱ .

هدف برنامه اول را میتوان بدین شرح بیان کرد :

- ۱ - بنای قدرت صنعتی .
 - ۲ - افزایش تولید وسائل تولید .
 - ۳ - سرمایه‌گذاری در صنایع بوسیله استفاده از امکانات کشاورزی .
 - ۴ - افزایش کارکرد کارگران با در نظر گرفتن مخارج صرف شده برای حق‌الزحمه این قدرت کار .
 - ۵ - بوجود آمدن مراکز صنعتی در مجاورت منابع مواد خام .
- همچنانکه بنظر می‌آید تکیه بر روی صنایع سنگین و صنعت به توصیه مشاوران روس بود . نتایج برنامه اول درخشان بود و تولید ملی سالیانه را به ۰.۱۴ افزایش داد و بطور کلی تولید صنعتی در عرض ۵ سال دو برابر شد و هدفهای برنامه عملی گردید^۲ .

دومین برنامه ۵ ساله ۱۹۵۸ - ۱۹۶۲

برنامه دوم در اواخر ۱۹۵۶ آماده بود ولیکن بوجود آمدن کومونها و سیاست

1- L' economie chinoise op. cit.

Analyse du premier plan quinquennal de la
ine communiste
Zheng - hongkong - 1955

2- Etude sommaire sur notre premier plan quinquennal
sun - pekin - 1956

«جهش بزرگ» و سپس قطع روابط اقتصادی با شوروی در اجرای آن اشکالات متعددی بوجود آورد و در واقع میتوان گفت که برنامه دوم فقط از ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰ برقرار بود. برنامه دوم دنباله برنامه قبلی بود و مانند آن بر روی سیاست صنعتی شدن تکیه مینمود و ولیکن به امور کشاورزی، حمل و نقل، مخابرات و تربیت کادر نیز توجه میکرد اما همچنانکه گفته شد در مدارک رسمی مختلف از آمار و ارقام ذکرى نرفت و چون در زمان اجرای برنامه وقایع مهم تری در چین رخ داد، توجه مفسرین از برنامه بمسائل دیگری گردانیده شد. در نتیجه در حال حاضر در اینمورد اطلاعات زیادی در دست نیست. حدس چین شناسان در مورد میزان افزایش تولید سالیانه برای ۱۹۵۸-۳۱٪ برای ۱۹۵۹ - ۰.۲۶٪ برای ۱۹۶۰-۰.۴٪ میباشد^۲.

دوران مابین برنامه دوم و سوم ۱۹۶۱-۱۹۶۵

در این مدت زمان اقتصاد متشنج چین فاقد برنامه بود ولیکن خطاست اگر تصور کنیم که نظم تمرکز یافته اقتصادی و یا اصول اقتصاد برنامه‌ای در آن دوره کنار گذاشته شده این ۵ ساله توقف برنامه به ۲ قسمت تقسیم میشود:

- ۱ - سالهای ۱۹۶۱ - ۱۹۶۳ دوران تغییر مسیر .
- ۲ - سالهای ۱۹۶۴ - ۱۹۶۵ دوران تهیه شرایط مطلوب برای طرح برنامه سوم . بطور کلی دلائل بوجود آمدن این دوره خاص در تاریخ برنامه ریزی اقتصادی بدین شرح است :

۱ - در ۱۹۵۹ - ۶۰ و ۶۱ چین از لحاظ طبیعی دچار ضایعاتی گردید که دولت را مجبور به خرید مقادیر زیادی مواد غذایی از ممالک دیگر کرد و با خروج ارز گرانقیمت ضرر هنگفتی به امکانات سرمایه گذاری ملی وارد آمد .

۲ - خروج مشاوران شوروی در سال ۱۹۶۲ بناگهان تمام قراردادهای و موافقت نامهها بوسیله مسکو لغو گردید و در عرض چند هفته چین خود را تنها یافت و مجبور شد که کوشش خارق‌العاده‌ای از خود نشان دهد تا بتواند چرخ اقتصادی فلج شده را دوباره بگردش اندازد . غرور چینی باعث گردید که بدهی ۱۴۰۶ میلیون روبلی چین به شوروی قبل از موعد در ۱۹۶۵ پرداخت گردد و آنهم فشار سنگینی بر امکانات سرمایه گذاری آورد^۳.

-
- 1- Rapport sur les propositions concernant le 2^e Plan quinquennal chou en lai_pekín - 1958
 - 2- L' economie chinoise - op. cit-pg. 25
 - 3- La rupture Moscou_Pekin Meray - robert laffont-paris-1966

۳ - ضعف و کمبودهای برنامه‌های قبلی (در طرح برنامه قبلی اشتباهاتی رخ داده بود و جهش بزرگ باعث بیرون دادن آمار غلطی گردید) دمرورد اجرای سیاست جهش بزرگ و کومونها نیز اشتباهاتی رخ داد .
مجموع این دلایل باعث گردید که مدت ۳ سال حکومت نوعی انتقاد از خود بنماید تا بتواند برنامه سوم را آماده نماید .

برنامه سوم ۱۹۶۶ - ۱۹۷۰

اگر دمرورد برنامه دوم اطلاعات بسیار محدود بود در مورد برنامه سوم مقامات چینی کاملاً خاموش بوده اند . شکی نیست که صنعتی شدن همچنان یکی از هدفهای اولیه جمهوری خلق چین است ولیکن بادر نظر گرفتن اشتباهات قبلی اهمیت زیادی نیز به کشاورزی داده شده است .

ناگفته نماند که تحولات ناشی از انقلاب فرهنگی اثر عمیقی بر هدفها و اجرای برنامه سوم نهاده است. هدف در کشاورزی، افزایش تولید ۰.۳٪ و در صنعت از ۵ تا ۰.۷٪ دلیل اعتدالی بودن این هدفها آن است که رهبران چینی از اشتباهات قبلی خود عبرت گرفته اند و ضمناً اگر چین نتوانست با کمک جهان سوسیالیست هدفهای قبلی خود را بشمر برساند تمجیبی ندارد که بنتهائی نمیتواند نتایج مانند سالهای ۱۹۵۸ بدست آورد. افزایش تولید از یاد تعداد کارخانهها را بهمراه دارد و بطوریکه میدانیم از ۱۹۶۰ بیعد چین سعی فراوانی برای بوجود آوردن قدرت هسته‌ای مینماید و طبیعی است که قسمت بزرگی از امکانات سرمایه گذاری در این راه صرف میشود (بین ۱۱ تا ۰.۱۲٪ تولید ملی)^۱ .
چون لای در یکی از آخرین نطقهای خود به برنامه چهارم اشاره کرده که چین را از مرحله سوسیالیست به مرحله کمونیست خواهد برد ولیکن تا امروز دمرورد این برنامه چهارم هیچ گونه اطلاعی در دست نیست^۲ .

البته نمیتوان ارزشیابی دقیقی از جزئیات نیروی صنعتی و امکانات بازرگانی چین بعمل آورد چون تنها اطلاعاتی که تاکنون در دست است بوسیله تعداد قلیلی مسافر که بندرت کار - شناس اقتصادی هستند بدست آمده^۴ .

شکی نیست که صنعت چین در حال پیشرفت است ولی آیا میتوان به ارقام موجود اعتماد کرد ؟ برخی از اقتصاددانان و کارشناسان صنعتی طراز اول کشورهای گوناگون جهان از چین

1- La chine

Pezeu.massabuau - armand collin - paris - 1970
pg 104 - 109-pg. 158-170

2- China-'s third five year plan

W.K. - china quaterly - 1966 - no. 24

3- Newsweek - 6 march 1972

دیدن نموده اند و این اشخاص باسانی می‌توانستند به قدرت واقعی چین پی برند و هر نوع اقدام عمدی را که برای گمراه کردن آنها انجام می‌گیرد تشخیص دهند. ضمناً فراموش نشود که اقتصاد کشوری که بوسیله برنامه ریزی مرکزی اداره میشود بدون آمار صحیح نمیتواند عمل کند. در نتیجه تاحدزیادی میتوان به آمار چینی که بوسیله این کارشناسان بجهان غرب آورده شده اعتماد نمود^۱.

آخرین آماری که در دست است طبق مصاحبه فوریه ۱۹۷۱ جوئن لای و نویسنده آمریکائی ادگار سنو بدین شرح است^۲:

۸/۵ میلیارد متر نخ پنبه	۲۴۰ میلیون تن گندم
۱۴ میلیون تن کود شیمیائی	۱۸ میلیون تن فولاد
تولید کشاورزی معادل ۳۰ میلیارد دلار	۲۰ میلیون تن نفت
تولید صنعتی معادل ۹۰ میلیارد دلار	

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - طبق خبرگزاری A.P. جمهوری خلق چین بمداز ده سال دست بانتشار آمار اقتصادی زده که در مجموعه ۱۰۱ صفحه‌ای منتشر گردید که در آن آمار ذیل آورده شده :

افزایش سطح تولید صنعتی و کشاورزی ۱۰٪ (زاین ۶۰۱٪)

: تولید گندم ۲۴۶ میلیون تن

: تولید لباس پنبه‌ای ۹ میلیون تن

: تولید آهن ۲۱ میلیون تن

: تولید ذغال ۳۵۰ میلیون تن

: تولید نفت ۲۵۰ میلیون تن

: تولید کود شیمیائی ۱۷ میلیون تن

Teheran Journal - Tuesday, 20 June 1972

2- Economie chinoise

Op.cit. - pg. 15

در صورت تمایل به ادامه مطالعه در زمینه این مقاله کتابهای

ذیل مفید می‌باشد :

- 1_ Economic planning and organization in mainland China-
1949. 1957.
Chao - harvard university press - cambridge. 1957. صفحه ۲۷۶
- 2_ Chinese economic statistics..
Chen - Edinburg university press - edinburg - 1966. صفحه ۵۳۹
- 3_ Communist china economy. 1949. 1961.
Cheng - seton hall university press - seton 1963.
- 4_ Dix grandes annees, les realisations economiques et culturelles.
De la republique populaire de chine.
Pekin. 1960 صفحه ۲۱۹
- 5_ China's economic system.
Donnithorne - george allen and unwin ltd. - London - 1967.
صفحه ۵۹۳
- 6_ Economic planning in communist china
Hsia - institute of pacific relation - new - york. 1955. صفحه ۷۹
- 7_ L'economie de le chine populaire
Menguy - que saisije? - No. 1102. P.U.F. Paris. 1965. صفحه ۱۲.
- 8_ Market control and planning in communist china.
Perkins - harvard universitg press - cambridge. 1967. صفحه ۲۹۱
- 9_ China's third five years plan.
W.K. - china quarterly - 1966. No. 25.
- 10_ The economy of communist China. an introduction.
Wu - F.A. Praeger neu - york. washington - london. 1965.
صفحه ۲۲۶
- 11_ Economic statistics of mainland china - 1949. 1957.
Yin - harvard university press - cambridge - 1960. صفحه ۱۰۶
- 12_ Industrial development in communist in China.
Li - F. A. Praeger - neK - york - London - 1964, صفحه ۲۰۵